

سیاست روسیه در قبال بحران سوریه با تأکید بر مذاکرات آستانه و سوچی

عباس گلرو^۱

اردشیر سنایی^۲

چکیده

بحران سوریه یکی از بحران‌های پیچیده سیاسی قرن حاضر محسوب می‌شود که به دلیل حضور بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، ابعاد جهانی یافته و به رغم ایجاد فرایندهای مختلف صلح، این بحران همچنان کامل حل و فصل نشده است. در کنار فرایندهای صلح ژنو و وین، دولت روسیه نیز از سال ۲۰۱۷ مذاکرات آستانه و کنگره سوچی را به همراه دو کشور ایران و ترکیه طراحی کرده است تا بتواند مسیر عمل‌گرایانه‌تری را جهت پیشبرد فرایندهای صلح ایجاد نماید. پژوهش پیش‌رو بر این پرسش تمرکز دارد که روسیه چگونه با استفاده از مذاکرات آستانه و سوچی در راستای حل و فصل بحران سوریه گام برداشته و اهداف سیاست خارجی این کشور در قبال طراحی این مذاکرات چه بوده است؟ نگارنده معتقد است که دولت روسیه ابتکار عمل این مذاکرات را در دست گرفته و در راستای حل سیاسی و نظامی بحران از یک سو و جلوگیری از مداخله آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن از سوی دیگر به ایجاد این فرایندهای صلح روی آورده است. پژوهش، با استفاده از روش تحلیلی- توصیفی این موضوع را بررسی می‌کند.

▪ واژگان کلیدی:

روسیه، سوریه، مذاکرات آستانه و سوچی.

درجه مقاله: علمی - پژوهشی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۸/۰۸ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۱۰/۰۴

^۱ دانشجوی دکتری گروه روابط بین‌الملل، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران - ایران

abgolroo23@gmail.com

^۲ استادیار گروه روابط بین‌الملل، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

ardeshir_sanaie@yahoo.com

مقدمه

بحران سوریه را که از ۲۰۱۱ و هم‌زمان با تحولات انقلابی کشورهای عربی آغاز گردید، می‌توان یکی از بحران‌های مستمر بین‌المللی دانست که مجموعه‌ای از بازیگران دولتی و غیردولتی را در خود درگیر کرده است. بحران سوریه همچون بسیاری از بحران‌های بین‌المللی به مرگ‌ومیر و بی‌خانمان شدن تعداد زیادی از شهروندان این کشور منجر شده است و اگرچه مجامع بین‌المللی از همان ابتدا در راستای حل‌وفصل آن گام‌های جدی برداشتند؛ اما این بحران هیچ‌گاه به طور کامل در این قالب حل‌وفصل نشد. در کنار فرایندهای صلح ایجادشده مانند ژنو و وین، دولت روسیه نیز به همراه ایران و ترکیه روندهای آستانه و سوچی را ایجاد کردند تا در قالب آن بتوانند به‌گونه‌ای عمل‌گرایانه‌تر به پیشبرد مذاکرات صلح کمک کنند. در واقع، زمانی که فرایندهای ژنو و وین نتوانستند راه‌حل سیاسی لازم را برای حل بحران شکل دهند، دولت روسیه ابتکار عمل را در دست گرفت تا هم در حوزه میدانی و نظامی و هم در زمینه سیاسی راه‌حل‌های واقع‌گرایانه‌تری را به کمک ایران و ترکیه ایجاد نماید. بدین منظور بود که این کشور روند مذاکرات آستانه^۱ و کنفرانس سوچی را طراحی کرد. مذاکرات آستانه در راستای حل‌وفصل مسائل میدانی و کنگره سوچی^۲ در راستای حل معضلات سیاسی ایجاد شدند تا به واسطه آن‌ها ضمن پیشبرد صلح و مذاکره، دولت روسیه بتواند از مداخله و تکرور آمریکا و حامیان منطقه‌ای آن نیز ممانعت به عمل آورد. بر این اساس، پرسش اصلی پژوهش این است که روسیه چگونه با استفاده از مذاکرات آستانه و سوچی در راستای حل‌وفصل بحران سوریه گام برداشته و اهداف سیاست خارجی این کشور در قبال طراحی این مذاکرات چه بوده است؟ فرضیه پژوهش این است که دولت روسیه ابتکار عمل این مذاکرات را در دست گرفته و در راستای حل سیاسی و نظامی بحران از یک سو و جلوگیری از مداخله آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن از سوی دیگر به ایجاد این فرایندهای صلح روی آورده است. به عبارتی، روسیه تلاش کرده است در قالب روند آستانه، برتری میدانی سوریه را در برابر گروه‌های معارض تحقق بخشد و در چهارچوب مذاکرات سوچی نیز توافق سیاسی پایداری را ایجاد نماید تا در قالب آن زمینه‌های اساسی حل‌وفصل بحران فراهم شود. نویسنده با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی به این پرسش پژوهش پاسخ خواهد داد و داده‌های اولیه خود را با استفاده از روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری و آن‌ها را به کمک استدلال منطقی تجزیه و تحلیل خواهد نمود.

^۱. Astana Peace Process

^۲. Sochi Congress

بحران سوریه

ریشهٔ آغاز بحران سوریه به تحولات انقلابی کشورهای عربی در ۲۰۱۱ بازمی‌گردد که به موجب آن تونس و چندین کشور شمال آفریقا و خاورمیانه با تظاهرات مردمی علیه حکومت مواجه شدند. چند ماه بعد از شروع حوادث و خیزش‌های مردمی در تونس و مصر بود که سوریه نیز در ۱۵ مارس ۲۰۱۱ دچار حوادث داخلی شد. جرقهٔ بحران سوریه پس از حوادث درعا و برخورد نیروهای امنیتی و نظامی با تظاهرکنندگان زده شد و نخستین تظاهرات مردمی با هدف عزل استاندار در مسجد جامع العمری در شهر درعا در جنوب سوریه صورت گرفت. پس از آن دامنهٔ اعتراضات مردمی از درعا به شهرهای حمص، حلب، حماه و دمشق نیز کشیده شد و معترضان (۱۵ مارس ۲۰۱۱) مردم را به برپایی تظاهرات گسترده زیر عنوان «روز خشم» دعوت کردند. به دنبال آن، رسانه‌های مخالف حکومت مدعی شدند که نیروهای امنیتی سوریه، کودکانی را که روی دیوار علیه حکومت شعارنویسی می‌کردند، دستگیر و شکنجه کرده‌اند. هرچند دولت سوریه این ادعا را رد و بیان کرد که مخالفان هیچ سند و شواهدی جهت اثبات ادعای خود ندارند، باین حال تظاهرات ضد دولتی در شهر درعا به سرعت به اقدامات خراب‌کارانه تبدیل شد و تصاویر ویدئویی از معترضان پخش شد که سلاح در دست داشتند و به سمت تظاهرکنندگان تیراندازی می‌کردند. این امر باعث ورود گستردهٔ دستگاه‌های امنیتی به بحران شد. دولت سوریه در ابتدا به منظور فرونشاندن اعتراضات مردمی، برخی اقدامات اصلاحی را آغاز کرد و وعدهٔ تحقق خواسته‌های شهروندان را داد. بدین ترتیب، دولت ضمن اعزام نمایندگان رئیس‌جمهور به مناطق بحران، برکناری استانداران و برخی مقامات محلی در مناطق بحران را خواستار شد. نشست عمومی رئیس‌جمهور با شیوخ عشایر و قبایل و نمایندگان معترضان نیز از جمله دیگر اقدامات دولت جهت فرونشاندن اعتراضات مردمی بود (Syper, 2012: 3).

در اثنای تلاش‌های دولت اسد جهت حل و فصل مسالمت‌آمیز بحران، برخی اقدامات ایذائی از سوی گروه‌های مسلح معارض در برخی شهرها از جمله درعا و حمص آغاز گردید و گروه‌های مسلح، اقدام به کمین و کشتن مردم و نیروهای دولتی کردند. رسانه‌های دولتی نیز معترضان را افراد نفوذی، تروریست و طرف خارجی به تصویر می‌کشیدند و حکومت سوریه را قربانی این حوادث معرفی می‌کردند (Yassin Kassab & Al-Shami, 2016: 39)؛ بنابراین، به رغم گام‌های اصلاحی دولت سوریه، بحران نه‌تنها خاتمه نیافت بلکه استمرار پیدا کرد و

تشدید نیز شد. در همین حال، ارتش آزاد سوریه^۱ (ژوئیه ۲۰۱۱) توسط نظامیان فراری مسلح به انضمام شورشیان مخالف بشار اسد، تحت رهبری سرهنگ ریاض الاسعد تشکیل شد و دیگر گروه‌های مسلح در سراسر کشور زیر پرچم آن قرار گرفتند و به مرور زمان دامنه بحران سوریه توسعه پیدا کرد و در همان ماه‌های آغازین منجر به مداخله بازیگران خارجی نیز شد (شریفیان، ۱۳۹۱: ۱۵۱). در واقع، کشمکش‌ها و منازعات داخلی در سوریه، بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را که هر یک منافع خاص خود را در این بحران داشتند به میدان سیاسی و نظامی سوریه وارد کرد و باعث گردید که بحران سوریه به بحران بین‌المللی تبدیل شود. قطر، ایران، عربستان، ترکیه، روسیه، اسرائیل و آمریکا از بازیگران مهم منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تأثیرگذار در این بحران محسوب می‌شدند که هر یک منافع خاص خود را طلب می‌کردند (نیاکویی و بهمنش، ۱۳۹۱: ۹۸). ورود بازیگران بین‌المللی باعث شد که این کشور به صحنه جنگ داخلی میان گروه‌ها و کشورهای مختلف تبدیل شود. این وضعیت نظامی تا زمان سقوط گروه تروریستی داعش همچنان ادامه داشت و در حال حاضر نیز مسئله سیاسی سوریه به طور کامل حل نشده است.

بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای درگیر در بحران سوریه: اگرچه مسائل داخلی سوریه نقش اولیه را در شکل‌گیری بحران ایفا نمود؛ اما گستردگی و تداوم آن در این کشور به دلیل حضور و نقش بازیگران خارجی بود. در واقع، تضاد منافع، نوع برداشت‌ها و دیدگاه‌های مختلف میان بازیگران داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی تأثیرگذار در سوریه، بحران این کشور را عمیق و پیچیده‌تر کرد. (نجات، ۱۳۹۶) تلاش برخی دولت‌ها در جهت حفظ حکومت اسد از یک سو و تقلای برخی دیگر از دولت‌ها در جهت اعمال فشار و سرنگون کردن حکومت بشار اسد از سوی دیگر از جلوه‌های بارز تحولات سوریه بود که بر پیچیدگی بحران افزود (نیاکویی و بهمنش، ۱۳۹۱: ۹۹). از زمان شکل‌گیری بحران سوریه، بازیگرانی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی در راستای منافع و اهداف خود نقش‌آفرینی کردند. این بازیگران به طور کلی در دو طیف مخالفان و حامیان حکومت سوریه تقسیم‌بندی می‌شوند:

گروه نخست، بازیگرانی هستند که خواهان سرنگونی نظام سوریه بودند. در این طیف، برخی از کشورها به دلیل برخورداری از قدرت و نفوذ، نقش پیش‌رو داشتند؛ مانند آمریکا، فرانسه و انگلیس به عنوان بازیگران فرامنطقه‌ای و ترکیه، قطر و عربستان به عنوان بازیگران منطقه‌ای. اتحادیه عرب و اتحادیه اروپا نیز هم‌گام و هم‌سو با این بازیگران در بحران سوریه

^۱. Free Syrian Army

فعال شدند. اسرائیل نیز در کنار این گروه نقش بارزی داشت و تلاش می‌کرد از طریق تأمین منابع لجستیکی و اطلاعاتی برای مخالفان زمینه را برای سرنگونی اسد فراهم سازد. گروه دوم که طیف حامیان نظام سوریه را تشکیل می‌دهند شامل ایران، روسیه و چین هستند که تلاش کردند با ارائه کمک‌های سیاسی، امنیتی، نظامی و اقتصادی از فروپاشی حکومت سوریه جلوگیری کنند. پیروزی اسد در این بحران و شکست داعش نیز به دلیل حمایت‌های این گروه بود (نیاکوبی و بهمنش، ۱۳۹۱: ۱۰۵). همه این بازیگران در سرنگون شدن یا سرنگون نشدن اسد منافع خاصی داشتند. آمریکا به دنبال تضعیف جبهه مقاومت به نفع رژیم صهیونیستی بود، عربستان به دنبال جلوگیری از نفوذ ژئوپلیتیک و ایدئولوژیک ایران در منطقه بود و در نهایت ترکیه گسترش نفوذ در خاورمیانه و اعاده گذشته تاریخی خود را دنبال می‌کرد. در این میان، جلوگیری از گسترش قلمرو ژئوپلیتیک ایران، فصل مشترک انگیزه این بازیگران بود. در طیف بازیگران موافق دولت سوریه نیز روسیه، ایران و چین به عنوان سه بازیگر اصلی نقش ایفا کردند که هدف اصلی و کلان هر سه کشور حمایت از سوریه و جلوگیری از فروپاشی حکومت در دمشق بود تا از این طریق موازنه به نفع آمریکا به هم نخورد و هر یک منافع ژئوپلیتیک خود را هم در سوریه از دست ندهند. اگرچه تفاوت‌هایی نیز در اهداف و نوع ایفای نقش بین این سه بازیگر مشاهده می‌شد. بین دو طیف از بازیگران مخالف و موافق دولت سوریه، سازمان ملل متحد به عنوان بازیگر سوم حضور داشته که تا حدودی اهداف و برنامه‌های گروه اول یعنی مخالفان نظام سوریه را دنبال کرده؛ اما در عین حال سعی کرده است نقش و رویکرد میانجیگرانه از خود به نمایش بگذارد.

سوریه و سیاست خارجی روسیه: فهم علل دخالت و مواضع روسیه در بحران سوریه مستلزم فهم منافع سیاست خارجی روسیه در قبال سوریه است. در این چهارچوب، سوریه یکی از متحدان سنتی روسیه در منطقه محسوب می‌شود و این منطقه بخشی از حوزه نفوذ این کشور است. روسیه منافع ژئوپلیتیک و استراتژیک اساسی در سوریه دارد و بسیاری این منطقه را آخرین حوزه نفوذ این کشور در خاورمیانه دانسته‌اند. روسیه سالانه مقدار زیادی تسلیحات به سوریه می‌فروشد و شرکت‌های گازی این کشور نیز در سوریه منافع دارند. همچنین وجود پایگاه دریایی طرطوس^۱ در سوریه که در برابر نفوذ ناتو پایگاهی مهم به حساب می‌آید، برای دولت پوتین حائز اهمیت است (Afridiand & Jibrān, 2018: 67). به‌طور کلی می‌توان دلایل اهمیت سوریه برای دولت روسیه را این چنین خلاصه نمود:

^۱. Tartus

نخست اینکه در سطح بین‌المللی، حضور روسیه در سوریه، به تثبیت موقعیتش به عنوان قدرت جهانی کمک می‌کند. این گفته لاوروف^۱ که آینده جهان با توجه به چگونگی شکل‌گیری اوضاع جدید در سوریه پدید می‌آید، بیانگر این است که سوریه برای روسیه بعد حیثیتی پیدا کرده است و وقتی آن را با چگونگی آینده‌سازی قدرت در جهان و نه فقط بازی ژئوپلیتیک پیوند می‌زنند، بیانگر ارزشی است که دمشق برای مسکو دارد (قربانی، ۱۳۹۲). دلیل دوم به تلاش روسیه برای جلوگیری از کاهش نفوذش در خاورمیانه برمی‌گردد. یکی از رویکردهای سیاست خارجی روسیه در دوران جدید، کنار گذاشتن احساس حقارت دهه ۱۹۹۰ و بازگرداندن روسیه به جایگاه بالا در امور بین‌الملل است. روسیه می‌خواهد تأثیر خود را در خاورمیانه گسترش دهد و یا در همین حد حفظ نماید. این تأثیرگذاری عمدتاً در ارتباط روسیه با سوریه و ایران تبلور یافته است و از دست دادن هر یک از آن‌ها به حذف آخرین ردپای باقی‌مانده روسیه در این منطقه ژئوپلیتیک می‌انجامد (۶۷: 2012: Bagdonas). دلیل سوم، اقدام روسیه در راستای تحقق دکترین امنیت ملی است. مصون‌سازی محیط پیرامونی از تهدیدات خارجی از اصول سند دکترین امنیتی روسیه تا ۲۰۲۰ است. روسیه تلاش می‌کند سوریه را به عنوان بازیگری «برون‌گرا» حفظ کند که نقش منطقه‌ای خود را در راستای منافع مسکو ایفا می‌کند. سقوط نظام سوریه به معنای ورود ناتو به حیاط خلوت منافع روسیه و تضعیف موقعیت، اعتبار و جایگاه بین‌المللی روسیه و در نهایت ناکامی در تحقق مبانی دکترین امنیت ملی روسیه است (قربانی، ۱۳۹۲). دلیل چهارم، نگرانی روسیه از گسترش اسلام سلفی به حوزه نفوذ خود است. مجاورت خاورمیانه و مرزهای جنوبی روسیه باعث شده است بسیاری خاورمیانه را نقطه آسیب‌پذیر برای منافع روسیه قلمداد نمایند. مسکو از روی کار آمدن یک دولت اسلامی افراطی در سوریه نگران است و به دلایل مختلف آن را تهدید علیه ثبات مناطق مسلمان‌نشین خود می‌داند (رستمی، ۱۳۹۴: ۱۱۲-۱۰۹). برخی مناطق روسیه از جمله چچن و داغستان مناطقی هستند که سلفی‌ها امید به توسعه نفوذ خود در آنجا دارند. برخی از اتباع روسیه که به گروه‌های تروریستی در سوریه پیوسته‌اند خصومتی دیرینه با مسکو داشته‌اند و سودای جدایی از حکومت مرکزی دارند (دهقانی فیروزآبادی و مرادی، ۱۳۹۴: ۸۰-۷۹). دلیل پنجم، حفظ پایگاه دریایی روسیه در طرطوس است که در مجاورت ساحل دریای مدیترانه و در نزدیکی مرز سوریه با لبنان قرار دارد. روسیه، پایگاه نظامی طرطوس را جزء مهمی از قابلیت‌های

^۱. Sergey Lavrov

مادی خود می‌داند. دکترین دریایی روسیه، حضور دائمی نیروی دریایی را در مدیترانه پیشنهاد می‌کند. پایگاه طرطوس، نقطه دریافت برای تسلیحات روسی بوده و قادر به اتصال زیردریایی‌های هسته‌ای است (Allcock, 2016: 4). این پایگاه از لحاظ موقعیت راهبردی جهت دستیابی به اهداف سیاسی برای روسیه اهمیت زیادی دارد (صادقی و لطفی، ۱۳۹۵: ۱۱۱-۱۱۲) دلیل ششم، ملاحظات و منافع اقتصادی روسیه در سوریه است. روسیه مبادلات ۵۰ تا ۶۰ میلیارد دلاری با کشورهای منطقه دارد که از این میزان حدود ۱ میلیارد دلار مبادلات تسلیحاتی و ۱/۵ میلیارد دلار مبادلات تجاری با سوریه است. در صورت سقوط نظام سوریه، روس‌ها منافع اقتصادی خود را در این کشور از دست می‌دهند. اگرچه این رقم چندان مهم نیست؛ اما این مسئله درخور توجه است که روسیه شریک اصلی و اولین فروشنده تسلیحات به سوریه است (قربانی، ۱۳۹۲). مجموعه این ملاحظات باعث شده است که روسیه نیز در بحران سوریه نقشی اساسی ایفا کند و در راستای حفظ منافع خود، در فرایندهای صلح و منازعه دخالت نماید. در ادامه بحث، مواضع و سیاست‌های این دولت را در حل بحران سوریه در قالب مذاکرات آستانه و سوچی بررسی می‌کنیم.

روسیه و حل بحران سوریه

روسیه از بازیگران خارجی مهم و تأثیرگذار در بحران سوریه محسوب می‌شود که از همان ابتدای بحران در مسائل سیاسی و نظامی سوریه نقش‌آفرینی کرده است. حفظ خاورمیانه از نفوذ و دست‌اندازی‌های آمریکا و امکان کاهش نفوذ سنتی روسیه به دنبال سقوط اسد را می‌توان مهم‌ترین استدلال‌هایی دانست که دولت پوتین را وادار به مداخله در بحران سوریه کرد. در واقع، دولت روسیه نمی‌خواست آخرین اهرم نفوذ خود را در خاورمیانه از دست بدهد که وزیر امور خارجه سابق روسیه آن را به لحاظ تاریخی در حوزه منافع خاص روسیه دانسته بود (Malyshev, 2015: 113). با در نظر گرفتن چنین ملاحظاتی بود که مسکو انقلاب‌های عربی را که از ۲۰۱۰ آغاز شده بودند چندان به نفع سیاست خاورمیانه‌ای خود نمی‌دید و آن‌ها را برهم زننده منطقه و در جهت منافع واشنگتن تلقی می‌کرد که می‌توانستند بر منافع ملی روسیه در خاورمیانه تأثیرات منفی بگذارند؛ بنابراین، مسکو در تلاش بود در بحران سوریه نقش محکم و اساسی ایفا کند تا از این طریق از یک طرف امنیت خود را تأمین و از طرف دیگر، اعتبار و جایگاه خود را در عرصه منطقه‌ای و جهانی تقویت نماید (درآینده و احمدی، ۱۳۹۷: ۷۶). در واقع، سقوط نظام سوریه برای روسیه که با

رویکرد واقع‌گرایانه مسائلی بین‌المللی را رصد می‌کرد، به معنی از دست دادن آخرین حلقه از متحدان اصلی در خاورمیانه بود. سوریه در دوران جنگ سرد و حتی پس از آن، جزو متحدان روسیه محسوب می‌شد؛ لذا روسیه در تلاش بود که مانع نفوذ سایر قدرت‌ها در این کشور شود؛ بنابراین، هرچند حضور روسیه در سوریه ظاهراً برای حفظ منافع راهبردی نظام حاکم در این کشور بود؛ اما در سطح کلان به نوعی حمایت از اهداف راهبردی خودش محسوب می‌شد (Reeva & Rogers, 2015: 1).

از زمانی که اعتراضات مردمی علیه دولت در ۲۰۱۱ شروع شدند، روسیه از حامیان سرسخت حکومت اسد به شمار می‌آمد و حتی زمانی که نیروهای مخالف سوریه و داعش در آستانه شکست دادن حکومت اسد بودند، روسیه تصمیم به مداخله نظامی در این کشور گرفت. روس‌ها در ابتدا اعلام کردند که حضور آن‌ها در سوریه صرفاً برای جلوگیری از پیش‌روی‌های داعش در سوریه است. مسکو تأکید کرد که پیروزی داعش در سوریه می‌تواند اسلام‌گرایان روسیه را نیز تقویت کند و بنابراین، خنثی کردن این گروه ستیزه‌جو در سوریه برای منافع ملی این کشور حیاتی است. باین‌حال، به‌زودی مشخص شد که انگیزه واقعی روسیه نجات حکومت اسد از هر نوع فشار از جانب مخالفان بود (Afridi & Jibrán, 2018: 67). به همین دلیل نوع واکنش و موضع روسیه در قبال تحولات سه کشور تونس، مصر و لیبی بسیار متفاوت از واکنش و موضع آن درباره تحولات سوریه بود. در مورد سه نمونه قبلی، روسیه در مجموع سیاست «مشاهده و انتظار» را در پیش گرفت که به نوعی اتخاذ رویکرد سکوت بود؛ اما در قبال سوریه واکنش دولت روسیه قاطعانه و استراتژیک بود. با چنین نگرش و رویکردی دولت روسیه در راستای حفظ منافع خود در بحران سوریه و حل این بحران، چندین استراتژی را هم‌زمان پیش برد: نخست، حمایت سیاسی از دولت اسد در سیاست بین‌الملل و مجامع بین‌المللی مانند وتوی قطعنامه‌های ضد سوری شورای امنیت؛ دوم، حمایت‌های لجستیک و نظامی از اسد مانند اقدامات نظامی هوایی از دریای خزر علیه گروه تروریستی داعش و یا حضور گروه‌های نظامی روسی در سوریه؛ سوم، مذاکره و ایجاد فرایندهای صلح با مخالفان اسد و تلاش جهت حل‌وفصل مسالمت‌آمیز بحران. در واقع، روسیه ضمن حمایت قوی از دولت تلاش کرد با مخالفان بشار اسد نیز تماس برقرار کند تا جلوی خشونت و خون‌ریزی را در خاک سوریه بگیرد. یکی از فرایندهای مهم مذاکره و حل‌وفصل مسالمت‌آمیز مناقشات که روسیه ابتکار عمل و هدایت آن را بر عهده گرفته، مذاکرات آستانه و سوچی است که در ادامه بحث آن‌ها را بررسی خواهیم کرد.

مذاکرات آستانه و کنفرانس سوچی: مذاکرات آستانه و سوچی که از ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸

آغاز شده‌اند، مجموعه نشست‌ها و مذاکراتی هستند که توسط سه کشور روسیه، ایران و ترکیه در راستای حل و فصل مسالمت‌آمیز بحران سوریه طراحی شده‌اند و روسیه به عنوان قدرتی بزرگ در آن نقشی اساسی ایفا می‌کند. آتش‌بس ۳۰ دسامبر ۲۰۱۶ که میان حکومت اسد و مخالفان برگزار شد، زمینه اصلی شکل‌گیری این مذاکرات بود و تاکنون (۲۲ دی ۱۴۰۰) هفده دور از مذاکرات آستانه برگزار شده که آخرین آن ۲۱ دسامبر ۲۰۲۱ در شهر نورسلطان قزاقستان بوده است. روند آستانه در کنار سایر روندهای صلح سوریه برگزار شده و به تدریج توانسته است چهارچوب مذاکراتی را که پیش‌تر تحت حمایت سازمان ملل متحد و با نام روند ژنو و از ۲۰۱۴ توسط نماینده وقت سازمان ملل متحد در سوریه یعنی اخضر ابراهیمی^۱ ایجاد شده بود زیر پر تو خود قرار دهد. روند ژنو بیشتر تأکیدش بر انتقال سیاسی بود و تلاش می‌کرد به واسطه روندهای دمکراتیک زمینه را برای انتقال حکومت اسد فراهم سازد؛ اما هرگز نتوانست از خشونت‌ها و منازعاتی که باعث مرگ بیش از ۳۵۰ هزار نفر شده بود، ممانعت به عمل آورد؛ از این رو نتایج درخور توجهی نداشته است (France24, 2018). در کنار این فرایند صلح، مذاکرات وین نیز از ۳۰ اکتبر ۲۰۱۵ و با حضور مقامات ایالات متحده، اتحادیه اروپا، روسیه، چین و بازیگران منطقه‌ای مختلف مانند عربستان سعودی، مصر، ترکیه و ایران آغاز شده بود. هرچند دولت سوریه مذاکرات وین و ژنو را نپذیرفت؛ چراکه از نظر بشار اسد این مذاکرات تنها در پی انتقال قدرت سیاسی در سوریه بودند و نه انجام اصلاحات سیاسی و حل و فصل بحران. از طرفی مخالفان سوری نیز با فرایندهای آستانه و سوچی مخالف هستند؛ چراکه از نظر آن‌ها نیز این فرایندهای صلح تنها به نفع دولت سوریه و متحدان آن بوده و ابتکارات دولت روسیه تنها در راستای منافع ژئوپلیتیک خود و حکومت اسد عمل کرده است.

نخستین دور از مذاکرات آستانه با حضور نمایندگان روسیه، ایران، ترکیه، سوریه، سازمان ملل متحد و هیئت اعزامی مخالفان دولت اسد متشکل از فرماندهان دوازده گروه مسلح به ریاست محمد علوش در آستانه برگزار شد. در نخستین دور از این مذاکرات، حاضران در خصوص آتش‌بس، جدا ساختن گروه‌های تروریستی داعش و النصره از مخالفان سیاسی و مقابله با آن‌ها مذاکره کردند، هرچند مسئله حفظ آتش‌بس از مسائل پیش‌روی سه کشور ایران، روسیه و ترکیه بود. پس از آن حل و فصل مسالمت‌آمیز منازعه، کمک‌های بشردوستانه،

^۱. Lakhdar Brahimi

مقابله با تروریسم، آتش‌بس و حفظ مناطق کاهش تنش از موضوعات مهم نشست‌های آستانه بوده است و مذاکره‌کنندگان در پانزده دور آینده به‌مرور زمان درباره این مسائل گفت‌وگو کرده‌اند (Abboud, 2021: 13). همچنین مذاکره‌کنندگان در دور آخر نشست نیز بیان کردند که هجدهمین نشست بین‌المللی سوریه در چهارچوب آستانه را در نیمه اول ۲۰۲۲ برگزار خواهند کرد (ایلنا، ۱۴۰۰). کنفرانس سوچی موسوم به «کنگره گفت‌وگوی ملی سوریه»^۱ نیز از دیگر ابتکارات روسیه جهت حل‌وفصل بحران سوریه بوده است که روسیه، در ادامه تلاش دیپلماتیک خود، در ژانویه ۲۰۱۸ با حضور نمایندگان از دولت سوریه، مخالفان و دولت‌های مدعو برگزار کرد. کنفرانس سوچی حول محور تشکیل کمیته قانون اساسی برای آغاز اصلاح قانون اساسی سوریه صورت پذیرفت و به نوعی مکمل فرایندهای آستانه و صلح‌سازی در سوریه محسوب می‌شود (Cafarella & Zhou, 2019). در ادامه این بحث، نقش و جایگاه روسیه را در مذاکرات و ابتکارات آستانه و سوچی بررسی خواهیم کرد.

روسیه و ابتکارات آستانه و کنفرانس سوچی : مذاکرات آستانه و کنفرانس سوچی ابتکارات دیپلماتیک روسیه جهت مدیریت و هدایت فرایندهای صلح و حل بحران سوریه به شمار می‌آیند که در قالب آن مسکو تلاش کرده است ضمن ارتقای جایگاه دیپلماتیک جهانی خود، منافع سیاست خارجی‌اش را نیز در قبال بحران سوریه تأمین نماید. مذاکرات آستانه در راستای حل بن‌بست‌های استراتژیک و نظامی و کنگره سوچی در جهت حل‌وفصل مسائل سیاسی طراحی شده‌اند. به عبارتی، این دو فرایند جنبه هم‌تکمیلی داشته‌اند. به طور کلی روسیه اهداف زیر را در چهارچوب ابتکارات آستانه و سوچی دنبال می‌کند: حفظ حکومت اسد از طریق کسب برتری میدانی در سوریه؛ حل‌وفصل سیاسی بحران به واسطه مذاکره و رایزنی بین گروه‌های مختلف سوری و دولت؛ ارتقای جایگاه دیپلماتیک روسیه در منطقه و جهان؛ جلوگیری از دخالت کشورهای غربی و آمریکا در مسائل داخلی سوریه.

مذاکرات آستانه و حل مسائل میدانی بحران: مذاکرات آستانه پس از تغییر میدان جنگ به نفع دولت سوریه و متحدان خارجی آن یعنی ایران و روسیه آغاز شد. در این مرحله از درگیری، بیشتر گروه‌های مسلح اصلی، به شدت نابود شده بودند و مجموعه‌ای از توافقات «آتش‌بس» و «آشتی» پس از مداخله روسیه در سپتامبر ۲۰۱۵ نیز منجر به حرکت جنگجویان مسلح به استان ادلب شده بود. بر این اساس، مذاکرات آستانه جهت مدیریت بسیاری از این آتش‌بس‌هایی که پیش‌تر بر گروه‌های مسلح تحمیل شده بود آغاز شد

^۱. Congress of Syrian National Dialogue

(Abboud, 2021: 13). پیش از آغاز روند آستانه و توافقات آتش‌بس به دلیل حملات گسترده مخالفان اسد و تسلط آن‌ها بر شهرهای مهم، گمانه‌زنی‌های زیادی مبنی بر احتمال سقوط دومینووار شهرهای دیگر سوریه از جمله حلب، نزد استراتژیست‌های نظامی و سیاسی مطرح شده بود و در چنین وضعیتی روسیه ضمن حضور نظامی گسترده در سوریه با ابتکار عمل جدید و جدی تحت عنوان روند آستانه، مسیر را در هر دو بعد نظامی (از طریق آتش‌بس و ایجاد مناطق کاهش تنش) و سیاسی (در قالب ابتکار برگزاری کنگره گفت‌وگوی ملی سوریه در سوچی و تشکیل کمیته قانون اساسی با هدف حل‌وفصل نهایی معادلات سیاسی) بحران باز کرد. بر این اساس، ورود مستقیم روسیه به عرصه میدانی سوریه در ۲۰۱۵ و در پی آن تشکیل روند آستانه با هدف کاهش تنش در سوریه و به پیوست آن ابتکار عمل سیاسی در برگزاری کنفرانس سوچی، نقطه عطف در تحولات بحران سوریه به شمار می‌آیند که روسیه را به بازیگر اصلی این صحنه بدل ساخت (Cafarella & Zhou, 2019). بر این اساس، روسیه ابتدا از روند آستانه برای تعیین اهداف نظامی کوتاه‌مدت و محدود خود که عمدتاً با اهداف تاکتیکی مسکو مطابقت داشتند، بهره برد و با این کار به حکومت اسد کمک کرد که سرزمین‌های تحت تسلط شورشیان را به مرور زمان پس بگیرد (Bibbo, 2021). بدین منظور، در مه ۲۰۱۷ روسیه، ایران و ترکیه در آستانه، طرح روسیه مبنی بر ایجاد چهار «منطقه کاهش تنش» در سراسر سوریه به منظور تقویت آتش‌بس‌های محلی را تصویب کردند تا بدین طریق بتوانند تسلط خود را بر مناطق مختلف سوریه تضمین و نفوذ گروه‌های شورشی را کاهش دهند. بر اساس این توافق، «مناطق امنیتی» نیز در اطراف این حوزه‌های کاهش تنش ایجاد می‌شدند که در قالب آن‌ها جایگاه‌های بازرسی و مراکز نظارتی به طور مشترک توسط نیروهای کشورهای ضامن (ترکیه و ایران) تشکیل می‌شدند. همچنین بر مبنای این توافق، نیروهای دولتی و جنگجویان شورشی باید استفاده از انواع تسلیحات از جمله هواپیما را متوقف می‌کردند. با استفاده از این ابتکار بود که نیروهای دولتی سوریه با حمایت روسیه و شبه‌نظامیان متحد خود توانستند سه منطقه تحت نفوذ تروریست‌ها یعنی غوطه شرقی، درعا و قنیطره را از طریق بمباران‌های سنگین و شکست شورشیان دوباره فتح کنند. این تصرفات مقدمه‌ای جهت بازپس‌گیری ادلب بود (France24, 2018). در واقع، با این طرح بود که روسیه و متحدانش توانستند دولت اسد را از شورش‌های داخلی برهانند و به مرور زمان سرزمین‌های از دست‌رفته را از شورشیان باز پس بگیرند. این فرایند همچنان جهت بررسی وضعیت‌های میدانی بحران ادامه دارد.

کنگره سوچی و حل مسائل سیاسی بحران: دستاوردهای مذاکرات آستانه و برقراری آتش‌بس در مناطق اصلی درگیری در سوریه و ایجاد مناطق کاهش تنش، پایان استراتژی تدوین‌شده روسیه نبود. مقامات روسیه معتقد بودند هرگونه تثبیت وضعیت میدانی نیازمند اقدام مکمل سیاسی است. بر این اساس، طرح کنگره گفت‌وگوی ملی سوریه در سوچی نیز مورد توجه واقع شد، این طرح، ابتکار عمل روسیه بود که از دل مذاکرات آستانه بیرون آمد تا به عنوان مکمل اقدامات میدانی، زمینه را برای حل‌وفصل نهایی معادلات سیاسی بحران سوریه فراهم کند (Cafarella & Zhou, 2019)؛ لذا هم‌زمان با پیروزی‌های نظامی در عرصه میدانی سوریه، مذاکرات سیاسی جهت حل‌وفصل بحران نیز ادامه یافت و روسیه به واسطه کنفرانس سوچی تلاش کرد زمینه‌های سیاسی حل‌وفصل بحران را نیز فراهم سازد. بدین منظور، در ژانویه ۲۰۱۸ کنفرانس سوچی با حضور نمایندگان از دولت سوریه، برخی از مخالفان حکومت و همچنین تعدادی از دولت‌های مدعو برگزار شد. مهم‌ترین نتیجه کنگره سوچی، تشکیل کمیته قانون اساسی بود که در بیانیه پایانی این کنگره بر آن تأکید شد. این کمیته به عنوان نقطه مرکزی رایزنی‌های دیپلماتیک، در نشست‌های سیاسی شورای امنیت سازمان ملل نیز مورد تمرکز و پیگیری قرار گرفت (Cafarella & Zhou, 2019). طبق نتیجه این کنگره می‌بایست یک کمیته قانون اساسی متشکل از نماینده حکومت جمهوری عربی سوریه به همراه نمایندگان گروه‌های مخالف ایجاد شود تا در قالب قطعنامه ۲۲۵۴ شورای امنیت سازمان ملل متحد، پیش‌نویس اصلاحات قانون اساسی را تدوین نماید.

بنابراین، وظیفه اصلی تصمیم‌گیری درباره مسائل سیاسی سوریه بر عهده کمیته قانون اساسی گذاشته شد و دی‌میستورا^۱ تلاش‌های زیادی انجام داد تا به واسطه مذاکره با کشورهای ضامن در مذاکره آستانه، دولت‌های اروپایی، کشورهای منطقه‌ای و نمایندگان ایالات متحده از کمیته قانون اساسی حمایت کند. در ابتدا تلاش دی‌میستورا در این زمینه موفقیت‌های چندانی به دنبال نداشت و مخالفت‌های درخور توجهی در مورد ماهیت و رویه‌های کمیته قانون اساسی شکل گرفت. موضوع اصلی اختلاف، تشکیل و ترکیب کمیته قانون اساسی بود. در ابتدا، این ایده مدنظر بود که سازمان ملل متحد مأموریت انتخاب نمایندگان را داشته باشد؛ اما این طرح به دلیل مخالفت‌های روسیه و ترکیه کنار گذاشته شد. پس از آن پیشنهاد این بود که روسیه و ایران پنجاه نماینده برای دولت، ترکیه پنجاه نماینده برای مخالفان و سازمان ملل متحد پنجاه نماینده برای جامعه مدنی انتخاب کنند.

^۱. Staffan de Mistura

باین حال، در ابتدا توافق نهایی در این زمینه نیز حاصل نشد و پس از تلاش‌های فراوان بالاخره در اواخر سپتامبر ۲۰۱۹ بود که آنتونیو گوترش^۱، دبیرکل سازمان ملل متحد کمیته قانون اساسی را معرفی نمود که متشکل از هیئتی بزرگ شامل تمام ۱۵۰ نماینده و هیئتی کوچک متشکل از ۴۵ نماینده، ۱۵ نماینده توسط دولت و ۱۵ نماینده توسط کمیته مذاکره سوریه (SNC) بود. در ۳۰ اکتبر ۲۰۱۹، کمیته قانون اساسی سرانجام برای اولین بار به طور رسمی در ژنو تشکیل جلسه داد؛ اما این مرحله اولیه هیچ نتیجه مشخصی در مورد روند اصلاح قانون اساسی یا قانون اساسی جدید به دست نیاورد (Clingendael, 2020). همچنین تا ۱۸ اکتبر ۲۰۲۱ شش دور از این مذاکرات برگزار شد. باین حال مانند دور نخست، نتیجه درخور ملاحظه‌ای در بر نداشت. گیر پیترسون، فرستاده ویژه سازمان ملل متحد در امور سوریه درباره این نشست گفت: «دور فعلی مذاکرات کمیته قانون اساسی هیچ نتیجه‌ای نداشت و ناامیدکننده بود.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۴۰۰).

روسیه و مشروعیت بخشی جهانی به فرایندهای مذاکرات: فرایندهای آستانه و

سوچی توسط دولت روسیه مدیریت شده بودند تا در چهارچوب آن‌ها ضمن حل و فصل عمل‌گرایانه بحران سوریه، مسکو بتواند ابتکار عمل صلح را در دست گیرد و از این طریق مانع دخالت و تکرور آمریکا و سایر قدرت‌های حامی آن در مسائل سوریه شود. به همین دلیل بود که دولت روسیه پس از موفقیت‌های میدانی به این ابتکار عمل‌های دیپلماتیک که اهدافی سیاسی و نظامی به دنبال داشتند، روی آورد. رهبری روسیه به خوبی آگاه بود که بسیاری از کشورهای عربی و همچنین آمریکا و متحدان اروپایی پیش‌تر روندهای ژنو و وین را پیش برده بودند و لذا مسکو به همراه تهران و آنکارا می‌بایست به نوعی این دولت‌ها را نیز به ابتکار عمل روسی خوشبین کنند و به طرق دیپلماتیک رضایت آن‌ها را جلب نمایند. بر همین اساس دولت روسیه در این زمینه نیز ابتکار عمل را در دست گرفت تا از طریق رایزنی بتواند زمینه را برای حضور و یا حداقل مخالفت نکردن کشورهای اروپایی و عربی با این روندهای صلح فراهم آورد. این اقدام همچنین می‌توانست به محدود کردن تأثیر اختلافات میان ایران، روسیه و ترکیه کمک کند و باعث تحکیم نفوذ روسیه بر روند صلح سوریه شود. بدین منظور، لبنان و عراق به عنوان کشورهای ناظر برای اولین بار در ۱ تا ۲ اوت در مذاکرات آستانه شرکت کردند. علاوه بر این روسیه در تلاش بود با افزایش مشارکت اعراب در مذاکرات آستانه، کشورهای اروپایی مانند فرانسه و آلمان را نیز که با مسکو در مورد

¹. António Guterres

کمیته قانون اساسی سوریه گفت‌وگو کرده بودند، در نهایت در این روند شرکت کنند و مخالفت خود با اسد را کاهش دهند (Ramani, 2019). گذشته از این روسیه تلاش کرد حتی نظر موافق دولت‌های آمریکا، اسرائیل و عربستان سعودی را نیز جلب کند و آن‌ها را نیز به سمت فرایندهای صلح هدایت نماید. به همین دلیل بود که پیش از دور هفتم مذاکرات آستانه، رئیس‌جمهور روسیه از طریق گفت‌وگو با دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، سلمان بن عبدالعزیز آل سعود پادشاه عربستان سعودی و بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل، رایزنی‌های دیپلماتیک شدیدی را در سطح جهانی انجام داد (Talukdar & Anas, 2018). به رغم تلاش‌های روسیه، فرایندهای صلح آستانه و سوچی مخالفان زیادی داشت و برخی دولت‌ها و مخالفان با این روندهای روسی مقابله کردند و آن‌ها را همه‌جانبه ندانستند.

مذاکرات آستانه و سوچی و دیدگاه مخالفان: به رغم تلاش‌های روسیه جهت مدیریت مذاکرات آستانه و کنفرانس سوچی، بسیاری معتقدند که این فرایندهای صلح موفقیت کاملی را برای همه طرف‌های درگیر به دنبال نداشته و صرفاً تأمین‌کننده منافع بخشی از طرف‌های مذاکره بوده و به همین دلیل بسیاری از مخالفان، کشورهای اروپایی و آمریکا از آن حمایت نکرده‌اند. مذاکرات آستانه در دور نخست با حضور بیشتر مخالفان برگزار شد؛ اما در دوره‌های بعدی بسیاری از مخالفان دولت اسد از حضور در این مذاکرات امتناع ورزیدند. در دور سوم هیچ‌کدام از مخالفان در مذاکرات آستانه شرکت نکردند. اسامه ابو زید، سخنگوی مخالفان در مورد تصمیم گروه‌های مخالف این‌گونه بیان داشته بود: «این تصمیم (نیامدن به آستانه) به این دلیل گرفته شده که روسیه به تعهدات خود در مورد آتش‌بس مورد توافق، پایبند نبوده است.» همچنین ارتش آزاد نیز در این زمینه اظهار داشته بود که دولت سوریه به تعهدات خود در توافق منطقه الوعر شهر حمص عمل نکرده است و این گروه به همین علت در مذاکرات آستانه شرکت نخواهد کرد (تابناک، ۱۳۹۵). گروه‌های مخالف کرد نیز از همان ابتدا به دلیل مخالفت ترکیه در این مذاکرات حضور نیافتند و بدین ترتیب این مذاکرات نتوانست رضایت همه طرف‌های درگیر در بحران را به دست آورد. گذشته از این، مذاکرات سوچی نیز به همین منوال پیش رفت و برخی از دولت‌ها و گروه‌های مخالف از حضور در این کنفرانس نیز خودداری ورزیدند. حدود چهل گروه از معارضان سوری در بیانیه‌ای مشترک، ضمن متهم کردن روسیه به جنایات جنگی در سوریه و با بیان این مسئله که مسکو با برگزاری کنگره سوچی قصد دارد فرایند مذاکرات «ژنو» را دور بزند، از حضور در این کنگره خودداری کردند.

سازمان دهندگان کنگره سوچی امیدوار بودند که با مشارکت دی میستورا، نماینده سازمان ملل متحد، حضور نیافتن گروه مخالف را خنثی کنند؛ اما در آخرین لحظه فرستاده ویژه سازمان ملل از صحبت در آنجا امتناع کرد. در واقع، حضور دی میستورا در سوچی تنها به حضور وی در سالن در حین سخنرانی سرگئی لاوروف و همچنین برگزاری جلسه توجیهی پس از پایان کنگره محدود شد. منتقدان و مخالفان کنگره معتقدند که هدف روسیه از ایجاد چنین کنگره‌ای ارائه بستری برای سوری‌ها جهت گفت‌وگو نبود، بلکه نیت اصلی روسیه این بود که تصمیمات از پیش تهیه شده مسکو را در این قالب تصویب کند و در واقع نگرش‌های خود را به دیگران تحمیل نماید. به عبارت دیگر، کنگره چیزی بیش از رویه‌ای رسمی جهت مشروعیت بخشیدن به دیدگاه روسیه برای حل و فصل سیاسی مناقشه نبوده است. گذشته از موضع‌گیری سرد مخالفان، گروه سوری نیز از رأی دادن به نکته کلیدی بیانیه پایانی که گفته بود اصلاحات قانون اساسی باید تحت نظارت سازمان ملل متحد انجام شود، خودداری کرد. طرف سوری تأکید کرد که تصویب قانون اساسی موضوع داخلی سوریه است و باید بدون مشارکت دی میستورا اجرا شود (Issaev, 2018). این مسائل نشان می‌دهند که اختلافات این کنگره نه تنها میان روسیه، مخالفان و سازمان بین‌الملل متحد بلکه بین دولت روسیه و نمایندگان سوریه نیز وجود داشته است. گذشته از همه این مسائل، موضع‌گیری ایالات متحده در برابر سوریه نیز حائز اهمیت بود؛ چراکه این کشور نیز از حضور در نشست خودداری کرد. ماریا اولسون^۱ رئیس دفتر مطبوعاتی سفارت آمریکا در روسیه پیرامون عدم حضور آمریکا در کنگره سوچی اعلام کرد که واشنگتن تنها از مذاکرات ژنو زیر نظر سازمان ملل حمایت می‌کند. (میزان، ۱۳۹۶). این استدلال بدین معنی است که دولت آمریکا نیز این مذاکرات را به رسمیت نشناخته است. در نهایت اینکه کمیته قانون اساسی نیز همچنان مورد اختلاف است و به رغم برگزاری چندین دور مذاکره این کمیته نیز نتوانسته به نتیجه نهایی برسد.

نتیجه

دولت روسیه به کمک ایران و ترکیه مذاکرات آستانه و سوچی را ایجاد کرد تا به واسطه آن بتواند حل بحران سوریه را با حضور نیروهای مخالف اسد به پیش برد و بستری را برای گفت‌وگوهای همه‌جانبه ایجاد نماید. در واقع، دولت روسیه این مذاکرات را ایجاد کرد تا

^۱. Maria Olsson

ضمن ارائه راهکارهای لازم جهت دستیابی به پیروزی‌های میدانی، فضای حل‌وفصل سیاسی را نیز ایجاد نماید تا از رهبری و مدیریت آمریکا و متحدانش ممانعت به عمل آورد. به رغم اینکه این مذاکرات در حوزه میدانی موفقیت‌هایی برای دولت‌های روسیه، ایران و حکومت اسد به دنبال داشته است؛ اما باید به این مسئله توجه شود که پس از پیروزی‌های میدانی ضرورت دارد که مسائل سیاسی پیش‌رو نیز حل‌وفصل شوند تا زمینه‌های اصلی بحران مرتفع گردند. در واقع، دولت‌های روسیه، ایران و سوریه نیازمند این هستند که با ورود مخالفان به این فرایندها با آن‌ها تعاملات بیشتری داشته باشند تا از این طریق ضمن مشروعیت‌بخشی بیشتر به این مذاکرات، زمینه را برای حل‌وفصل واقعی و ریشه‌ای بحران فراهم آورند. همان‌طور که در مباحث پژوهش بیان داشتیم بسیاری از گروه‌های مخالف و دولت‌ها از ورود و تأیید این فرایندهای صلح خودداری کردند و دولت روسیه را به منفعت‌طلبی و نقض توافقات متهم نمودند. با وجود چنین دیدگاهی از جانب مخالفان، پیشبرد روندهای صلح بسیار دشوار خواهد بود و دولت‌هایی که مدیریت این مذاکرات را در دست دارند می‌بایست به واسطه ریزنی و اعمال دیپلماتیک بیشتر فضای لازم را برای حضور مخالفان سیاسی فراهم نمایند. همچنین ضرورت دارد که طراحان این فرایندهای صلح با سازمان ملل متحد به عنوان سازمانی جهانی تعاملات بیشتری برقرار کنند تا از این طریق بتوانند مشارکت و تأیید بیشتر اعضای جامعه جهانی را نیز در راستای حل‌وفصل همه‌جانبه بحران کسب نمایند.

منابع و مأخذ

فارسی

- بیانیه مشترک ایران، روسیه و ترکیه در پایان هفدهمین اجلاس آستانه در مورد سوریه، ۱۴۰۰، خبرگزاری ایلنا، دریافت شده در ۲۴ دی در <https://www.ilna.news>
- در مورد مذاکرات آستانه در ویکی‌تابناک بیشتر بخوانید، ۱۳۹۵، خبرگزاری تابناک، دریافت شده در ۲۶ دی ۱۴۰۰ در <https://www.tabnak.ir/fa/tags>
- در آینده، روح‌الله و حمید احمدی، ۱۳۹۷، «سیاست روسیه در بحران سوریه و پیامدهای آن بر منافع ملی ایران»، *مطالعات روابط بین‌الملل*، س ۱۱، ش ۴۴، ص ۷۶.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال و منوچهر مرادی، ۱۳۹۴، «آمریکا و روابط جمهوری اسلامی ایران - فدراسیون روسیه»، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، ش ۸۹، صص ۹۱-۶۵.

سیاست روسیه در قبال بحران سوریه با تأکید بر مذاکرات آستانه و سوچی □ ۱۳۷

رستمی، محمدرضا، ۱۳۹۴، «جریانات افراطی و تکفیری در منطقه و راهکارهای مقابله با آن‌ها با توجه به نقش خاورمیانه‌ای روسیه»، *فصلنامه سیاست خارجی*. س ۲۹، ش ۱، صص ۹۷-۱۲۲.

سازمان ملل: نشست کمیته قانون اساسی سوریه نتیجه‌ای نداشت، ۱۴۰۰، خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، دریافت‌شده در تاریخ ۴ بهمن ۱۴۰۰ در <https://www.irna.ir/news/84514743>

شریفیان، جمشید، ۱۳۹۱، «تعامل و تقابل ایران و ترکیه در بحران سوریه»، *فصلنامه امنیت پژوهی*، س ۱۱، ش ۳۸، ص ۱۵۱.

صادقی، سید شمس‌الدین و کامران لطفی، ۱۳۹۵، «جایگاه راهبردی سوریه در معادلات نظامی-امنیتی روسیه»، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*. ش ۹۳، صص ۹۲-۱۲۲.

علت عدم حضور آمریکا در سوچی چه بود؟، ۱۳۹۶، خبرگزاری میزبان، دریافت‌شده در ۲۵ دی در <https://www.mizan.news/fa/news/392107>

قربانی، مصطفی، ۱۳۹۲، «مروری بر مبانی حمایت روسیه از سوریه»، خبرگزاری فارس، دریافت‌شده در ۵ بهمن ۱۴۰۰ در www.farsnews.com

نجات، سید علی، ۱۳۹۶، *بحران سوریه و بازیگران منطقه‌ای*، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، <https://tisri.org/?id=ry43uj01>

نیاکویی، امیر و حسین بهمنش، ۱۳۹۱، «بازیگران معارض در بحران سوریه»، *فصلنامه روابط خارجی*، س ۴، ش ۴، ص ۹۸.

لاتین

- Abboud, Samer, 2019, "Making Peace To Sustain War: The Astana Process And Syria's Illiberal Peace", *Peacebuilding*, Vol. 9, Issue. 3, p.3.
- Afridi, Manzoor Khan & Ali Jibran, 2018, "Russian Response To Syrian Crisis", *Strategic Studies*, Vol. 38, No. 2, p.67.
- Allcock, Simon, 2016, Explaining Russia's Intervention In Syria In September 2015, E-International Relations, Retrieved on 16 January, p.4. at <https://www.e-ir.info/2016/02/28/explaining-russias-intervention-in-syria-in-september-2015/>
- Bagdonas, Azuolas, 2012, "Russia's Interest In the Syrian Conflict: Power, Prestige, and Profit", *European Journal of Economic and Political Studies (EJEPs)*, Vol. 5, No. 2, P.67.
- Bibbo, Barbara, 2021, Analysis: Syria's Peace process And The Russian And US Roles, Al Jazeera, Rerieved on 12 January, at: <https://www.aljazeera.com/news/2021/2/28/analysis-syrias-peace-process-and-the-russian-and-us-role>
- Cafarella, Jennifer & Jason Zhou, 2019, Russia's Dead-End Diplomacy In Syria, Institute for the Study of War (ISW), Retrieved on 15 January, at: <http://www.understandingwar.org/sites/default/files/.pdf>
- M. Issaev, Leonid, 2018, What was the Sochi Congress for?, Retrieved on 15 January, at Al Shargh, Retrieved on 17 January, at: <https://research.sharqforum.org/2018/02/14/what-was-the-sochi-congress-for/>
- Malyshev, Dina, 2015, "Middle East Turbulence", *Journal-World Economy and International Relations*. No.10, p.113.
- Phases of the Constitutional Committee, 2020, Clingen Dael, Phases Of The Constitutional Committee, Retrieved on 18 January, at:

<https://www.clingendael.org/pub/2020/the-politics-of-syrias-constitutional-committee/3-phases-of-the-constitutional-committee/>
Ramani, Samuel, 2019, Russia's Efforts To Expand The Astana Process In Syria, Middle East Institute, Retrieved on 12 January, at:
<https://www.mei.edu/publications/russias-efforts-expand-astana-process-syria>
Rogers, Paul & Richard Reeve, 2015, "Russia's Intervention Implications For Western Engagement", *Oxford Research Group (ORG)*. pp. 1-5.
Syper, Jonathan, 2012, "Syrian Regime Strategy And The Syrian Civil War", *Meria Journal*, Vol.16, No. 4, p.3.
Syria: the Astana Peace Process, 2018, France24, Retrieved on 13 January, at <https://www.france24.com/en/20180905-syria-astana-peace-process>
Talukdar, Indrani & Omair Anas, 2018, The Astana Process And The Future Of Peaceful Settlement Of The Syrian Crisis: A Status Note, Indian Council of World Affairs, Retrieved on 16 January, at :
https://www.icwa.in/show_content.php?lang=1&level=3&ls_id=4930&lid=1744.